

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

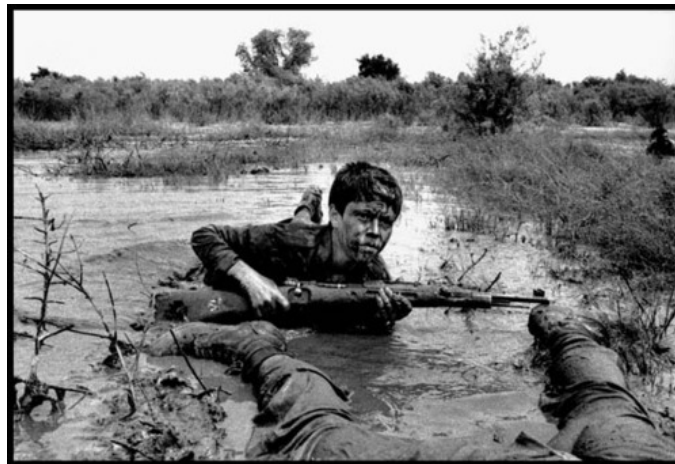
Political

سیاسی

نویسنده: مایک ویتنی
برگردان از: آمادور نویدی
ارسال و پی نوشت از: حمید محوی
۰۳ می ۲۰۱۵

در جست و جوی جایگزینی برای منبع گاز اروپا

چرا اوپاما می خواهد تحریم های ایران را لغو کند؟



«لازم است بدانیم که ایران اکنون برنامه ای برای ساخت سلاح های هسته ای ندارد، و دارای هیچ سلاح هسته ای نیست. در ۲۶ فبروری ۲۰۱۵، جیمز کلپر، مدیر اطلاعات ملی، به کمیته خدمات نظامی سنا گفت که آیت الله خامنه ای، رهبر ایران، به برنامه سلاح های هسته ای کشور در سال ۲۰۰۳ خاتمه داد و «تا آن جایی که ما می دانیم، او هیچ تصمیمی جهت رفتن به سوی سلاح هسته نگرفته است.»

این گفته «اعتماد به نفس بسیار زیاد» انجمن اطلاعات امریکا (آی سی) را تکرار می کند که در ابتداء در نومبر سال ۲۰۰۷ قضاوت کرده بود.

- میکاه زینکو، در زمینه قرار دادن برنامه هسته ای ایران، شورای روابط خارجی [Council on Foreign Relations](#) اگر با حقیقت شروع کنیم همواره به درک مسائل و مشکلات کمک می کند، و در مورد ایران، حقیقت کاملاً آسان است. ایران سلاح های هسته ای ندارد، برنامه سلاح های هسته ای ندارد، و هرگز به خاطر انحراف سوخت هسته ای جهت اهداف دیگر مچش گرفته نشده است. ایران تنها برای مقاصد صلح جویانه به دنبال فن آوری هسته ای بوده است.

این ها حقیقت اند. ممکن است این ها با دروغ های تبلیغاتی در رسانه های غربی تطبیق نکند، اما حقایق هستند که همیشه این طور بوده اند. ایران هیچ گناهی نکرده است. ایران صرفاً قربانی تلاش احمقانه قدرت و اشنگتن جهت کنترل

منابع حیاتی در خاورمیانه و بالابردن هژمونی اسرائیل در منطقه است. این آن چیزی است که واقعاً در جریان است. تمام این تبلیغات دروغ رسانه‌ئی برای ژئوپولیتیک/جغرافیای سیاسی است. این هیچ ربطی به بمب هسته‌ئی ندارد. پوشش رسانه‌ئی از به اصطلاح مذاکرات هسته‌ئی در لوزان و اکنون در وین دیوانه وار بر روی تعداد سانتریفیوژها، برنامه نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی، قابلیت غنی سازی اورانیوم، و هزاران موضوع محرمانه دیگر متمرکز شده است تا توجه افکار عمومی را از این واقعیت منحرف کنند که ایران برنامه سلاح هسته‌ئی ندارد و علاقه‌ای هم به توسعه یک (برنامه سلاح هسته‌ئی) ندارد. با مطالعه دقیق این مسائل در جزئیات جانفرسا، خواننده احساس می‌کند که ایران چیزی را پنهان کرده است و بنابراین باید تهدیدی واقعی برای امنیت ملی امریکا باشد. اما البته این دقیقاً آن چیزی است که نویسندگان این مقالات امیدوارند به آن دست یابند، آن‌ها می‌خواهند با خاک پاشیدن به چشم مردم، به مردم چیزی را بقبولانند که به طور واضح دروغ است. حقیقت این است که، ایران هیچ کاری پنهانی یا غیرقانونی انجام نمی‌دهد. ایران صرفاً خواستار حق خود برای مقاصد صلح آمیز غنی سازی اورانیوم تحت شرایط ان پی تی است که محترم شمرده شود. ایران اجازه نمی‌دهد که تحت قلدری امریکا قرار گیرید و یا با او مانند یک شهروند درجه دو رفتار شود. ایران از ابتداء صادقانه برخورد کرده است که هزاران بار بیش تر از آن چیزی است که درباره امریکا می‌توان گفت.

رسانه‌ها نمی‌خواهند درباره «پروتکل‌های الحاقی» بحث کنند که ایران قبول کرده تا اعتماد را در میان اعضای سازمان ملل جلب کند، برای این که بعداً مردم متوجه می‌شوند که ایران چندین بار در گذشته این مسیر طولانی را پیموده، امتیازات زیادی داده ولی در عوض با اتهامات ساختگی عدم همکاری و یا تقلب/نقش بازی کردن سیلی خورده است. اما شواهد عدم همکاری و تقلب کجاست؟ هیچ مدرکی موجود نیست. این حدس و گمان فقط جهت ترساندن مردم و استفراغ بهانه‌های تند و تیز و دروغ‌های رسانه‌ئی است. حتی کلمه‌ای از حقیقت در هیچ کدام از آن‌ها وجود ندارد. آخرین کلاه برداری مراکز رسانه‌ئی، اصطلاح «بریک اوت تایم / زمان لازم» است، که اشاره‌ای است به مدت زمان لازم برای ایران جهت ساخت بمب هسته‌ئی، چنان چه ایران هم کاری نکرد، که چنین چیزی وجود ندارد. «بریک اوت تایم»، کلمه وزوز تبلیغاتی جدیدی است و هزاران بار در رسانه‌ها تکرار شده است تا نشان دهد که تهران هنوز ساعت‌ها از ساخت یک بمب هسته‌ئی دور است که سریعاً می‌تواند با استفاده از آن اسرائیل را نابود کند. این یک افسانه دروغ مضحک است که فرض می‌شود— از آن جایی که امریکا کشوری سرکش و آدم‌کش است که به اطراف جهان می‌رود و هرچیز خدا را در هر جایی که تکان بخورد بمباران می‌کند، پس کشورهای دیگر هم ملزم به همین رفتارند چنان چه نصف شانس به آن‌ها داده شوند. این نظریه در سطوح زیادی اشتباه است. قبل از هرچیز، ایران هیچ بمب هسته‌ئی ندارد و، دوم، رهبران کشورهای دیگر، همانند رهبران امریکا، کلان دیوانگان قدرت طلب نیستند که تنها شادی آن‌ها سوختن و با خاک یکسان کردن نوار گسترده سیاره باشد. این رفتار تنها مختص به رهبران امریکا است. دیگران از این اختلال روانی و فاقد حس معنوی رنج نمی‌برند.

موضوع هسته‌ئی هیچ ربطی به برنامه ساختگی سلاح‌های هسته‌ئی ایران ندارد. این فقط یک پرده ساطر است. مسأله واقعی آن است که ایران یک کشور قدرتمند با یک سیاست خارجی مستقل است. واشنگتن کشورهای مستقل را دوست ندارد. واشنگتن کشورهای را دوست دارد که خفه می‌شوند و همان کاری را انجام می‌دهند که به آنها دیکته شده است. کشورهای که از دستور گرفتن امتناع می‌ورزند دشمنان واشنگتن هستند، و در لیست سیاه قرار می‌گیرند. و این جاست که تحریم‌ها نقش بازی می‌کنند. تحریم‌ها راهی است که واشنگتن دشمنان خود را قبل از بمباران تضعیف می‌کند تا نوبت حکومت کردن بر آن‌ها فراهم شود. تحریم‌ها چماقی است که امریکا جهت ضرب و شتم رقیبان خود برای تسلیم استفاده می‌کند.

اگر شما اخیراً اخبار را دنبال کرده باشید، متوجه خواهید شد که چیز بسیار عجیب و غریبی در جریان است. امریکا چهره عوض کرده و سیاست خود را نسبت به ایران تغییر داده است. این یک تغییر و تحول تکان دهنده است. امریکا همین سیاست وحشیانه را در قبال کوبا در طول ۶۰ سال گذشته حفظ کرده بدون این که چیزی را تغییر دهد. چنان چه این سیاست اثری داشته باشد یا نه، هرگز اهمیتی ندارد؛ آن چه که مهم است تحمیل حداکثر درد و مشقت بر مردمی است که واشنگتن دوست شان ندارد. پس چرا ناگهان این سیاست را با ایران تغییر می دهد؟ چرا اوپاما سعی می کند با کشوری به توافق دست یابد که نخبگان امریکا آشکارا تحقیرش می کنند و از آن نفرت دارند؟

و، به خاطر داشته باشید، کاری را که اوپاما انجام می دهد به شدت مورد تنفر بسیاری از گروه های قدرتمند است؛ از جمله کنگره، رسانه ها، اسرائیل و حتی مقامات بلند پایه در وزارت امور(خارج، دارائی و...) خودش. آیا امکان دارد کارگرانی که رشته های کار اوپاما را در دست دارند و به او می گویند که چه کار کند به ناگهان خواب نما شده اند و می خواهند دوران جدیدی از مصالحه و دوستی با ایران را شروع کنند؟

البته که نه. هیچ کسی این را باور نمی کند. تنها دلیلی که اوپاما می خواهد با ایران به معامله دست بزند به خاطر آن است که چیزی در عوض آن می خواهد و امریکا چیزی در عوض هم می خواهد. امریکا می خواهد جایگزینی برای گاز روسیه به اروپا جریان یابد تا بتواند روسیه را از نظر اقتصادی نابود سازد و طرح ستراتیژیک خود را جهت پیاده کردن قدرت امریکا در سراسر آسیا تحمیل کند تا شرکت های غول امریکائی بتوانند برتری موقعیت خود را در اقتصاد جهانی حفظ کنند. اوپاما با (کارت) ایران به خوبی بازی می کند تا بتواند سیاست محور آسیا را تا آنجائی که ممکن است به آسانی انجام دهد.

پس چه گونه قابل قبول شد که ایران جایگزین گاز روسیه در بازار پرسود اروپا شود؟

به بخش مقاله ای که در سال ۲۰۱۴ نوشته شده توجه کنید که سناریوی را پیش بینی کرد و ما امروز آن را می بینیم، و آن چنین است، که امریکا سعی می کند تا از ادغام اتحادیه اروپا و روسیه در منطقه تجارت آزاد که تولید ناخالص داخلی امریکا را کوچک کند و کشور استثنائی را برای سال ها با شیب بسیار تند اقتصادی روبه رو سازد جلوگیری نماید. عنوان این مقاله: «اتحادیه اروپا جهت جایگزین ساختن گاز روسیه به سوی ایران تغییر جهت می دهد» می باشد. در حالی که روابط با عرضه کنندگان گاز روسیه به سردی می گراید... روابط با تهران به گرمی می رود، و اتحادیه اروپا به آرامی طرح فوریت واردات گاز طبیعی از ایران را افزایش می دهد.

«ایران به سرعت به سوی صدر اولویت های ما برای اقدامات میان مدت می رود و در کاهش وابستگی ما بر عرضه گاز روسیه کمک می کند»، همان منبع بالا گفت: «گاز ایران به آسانی می تواند به اروپا بیاید و از نظر سیاسی ایجاد یک رابطه حسنه بین تهران و غرب وجود دارد»...

در حالی که ایران تحریم است، دارای دومین ذخایر بزرگ گاز جهان پس از روسیه است و با توجه به مذاکرات بین تهران و غرب جهت رسیدن به یک معامله بر سر مناقشه برنامه هسته ای جمهوری اسلامی جایگزینی بالقوه برای (گاز روسیه) است.

مقاله ای که برای پارلمان اروپا آماده گشت گفت: «پتانسیل بالا برای تولید گاز، اصلاحات بخش انرژی داخلی که در حال انجام است، و عادی سازی روابط با غرب، ایران را جایگزینی معتبر برای روسیه می سازد» ...

مقاله اضافه کرد، «با توجه به ستراتیژی کنونی روسیه از نظر سیاسی، که یکی از رویا رونی ها با اروپا است، می بینم که اتحادیه اروپا انتخاب کمی برای پیدا کردن جایگزین عرضه گاز دارد»...

فرانک اومباچ، مدیر تحقیقات انرژی در دانشکده کینگز در لندن گفت: «منافع ایران در ارائه گاز به اروپا خیلی زیاد است. بخش هائی از نخبگان اقتصادی و سیاسی ایران و هم چنین شرکت های خارجی آماده پایان دادن به تحریم ها هستند»...

ایران مدت زیادی جهت ساخت خط لوله تعیین شده ای که بتواند میدان گاز پارس جنوبی عظیم خود را با مشتریان اروپائی - یا با به اصطلاح خط لوله فارس وصل کند ریزنی کرده است.

هندجانی گفت: «این یک پروژه بسیار بلند پروازانه است». «حتی اگر نصف آن ساخته شود دستاوردی بزرگ برای هردو اروپا و ایران خواهد بود»...

تحقیقات مستقل سنجش امکان پذیری نشان می دهد که اگر تحریم ها کاهش یابد و سرمایه گذاری به زودی شروع شود، ایران تا اوایل سال های ۲۰۲۰ می تواند به ترکیه و اروپا، ۱۰ تا ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال عرضه کند.

(اتحادیه اروپا جهت جایگزین ساختن گاز روسیه به سوی ایران تغییر جهت می دهد، یورو اکتیو. کام)

(euractiv.com, EU turns to Iran as alternative to Russian gas)

بدین دلیل است که اوباما در حالی که جنگ خود را با روسیه دنبال می کند می خواهد تحریم های ایران را کاهش دهد؛ این به دلیل نیاز به پیدا کردن منبع گاز جایگزین برای اروپا است. شکست روسیه در صدر اولویت ستراتیژی واشنگتن قرار گرفته است. امریکا مایل است تا با هر چیزی - حتی با جنگ هسته ئی - جهت حفظ گلوگاه قدرت جهانی و توسعه هژمونی خود در قرن آینده ریسک کند.

درباره نویسنده:

مایک ویتنی در واشنگتن زندگی می کند. او یکی از هم کاران کتاب نامید: بارک اوباما و سیاست توهم (مطبوعات ای کی) می باشد. کتاب نامید: بارک اوباما و سیاست توهم را می توان از نشر روشن/برافروختن تهیه کرد.

Hopeless: Barack Obama and the Politics of Illusion

برای تماس با مایک ویتنی با ایمیل زیر تماس بگیرید:

fergiwhitney@msn.com

برگرداننده شده از:

<http://www.counterpunch.org/2015/04/27/why-obama-wants-to-lift-sanctions-on-iran>

پی نوشت حمید محوی

در مورد تحلیل مایک ویتنی به ترجمه آمادور نویدی، فکر می کنم که تعدادی موضوع مهم مطرح شده که باید روی آن تأکید کنیم. ابتداء موضوع هسته ئی ایران است که از سال ها پیش تحلیل گران آلترناتیو سیاست ایالات متحده و دروغ رسانه های آتلانتیست را دائماً افشاء کرده اند، و در این مرحله ظاهراً به نظر می رسد که زدودن اتهامات یا چیزی را که اتهام نامیده بودند همه گیر شده. البته هنوز به درستی نمی دانیم نمایندگانه دولت استعمار زده جمهوری اسلامی و دستگاه مخوف دین اسلام در ایران تا چه اندازه به طرف مقابل به خاطر رفع اتهامات بیهوده و نابجا امتیاز داده است.

در رابطه با این موضوع من اصرار دارم که یک نکته را همیشه به یاد داشته باشیم، گر چه در حال حاضر آرشیف مشخصی وجود ندارد، که تا چه اندازه اپوزیسیون های ایرانی خاصه در خارج از کشور با دروغ رسانه های آتلانتیست هم نوائی داشته اند، و ملت ایران حق دارند از خودشان دفاع کنند، ملت ایران حق دارند از امنیت برخوردار باشند، و ملت ایران حق دارند دوستان و دشمنان خودشان را شناسائی کنند و پیشگامان ایران باید فهرستی از افرادی که در تبنانی با چنین سیاستی بوده اند را تهیه کرده و به اطلاع عموم برسانند تا از نفوذ این جریان ها جلوگیری شود، به

عنوان مثال می توان فهرستی با نام اشخاص و مقالاتی که در تیانی با این دروغ رسانه ئی نوشته اند تصور کنیم : به عنوان نام : فرهنگ قاسمی. مقالات...و غیره.

نکته بعدی که در متن مطرح شده آمادگی ایالات متحده حتی برای جنگ اتمی است. این نظریه واقعاً درست به نظر می رسد، سایت اسپوتنیک نیز اخیراً اعلام کرد که ایالات متحده BIB هایش را به شارژ اتمی مسلح کرده است (نماد جنگ سرد). و بازه زمانی تا جنگ اتمی نسبت به دوران جنگ سرد کاهش یافته است یعنی خطر جنگ اتمی نسبت به دوران جنگ سرد اول بیشتر شده است.



<http://fr.sputniknews.com/defense/20150423/1015799116.htm>

آخرین نکته ای که در واقع به موضوع مرکزی تحلیل و گزارش مایک ویتنی مرتبط می باشد «در جست و جوی جایگزینی برای منبع گاز اروپا» این گونه به نظر می رسد که در چشم اندازی که مایک ویتنی ترسیم کرده، ایالات متحده «... تنها دلیلی که اوباما می خواهد با ایران به معامله دست بزند به خاطر آن است که چیزی در عوض آن می خواهد»

یعنی گاز ایران به جای گاز روسیه برای اروپا، در این مورد باید اضافه کنیم که چیزی که امریکا می خواهد خیلی بیشتر از جست و جوی یک جایگزین ساده و عادی است. به عبارت دیگر معنای این معامله گسترش یابنده است، و باز هم به این معنا خواهد بود که ایران باید در محاصره و عملیات فشار و یا جنگ سرد دوم علیه روسیه موضع بگیرد. این موضع گیری پیامدهای بسیار ناگواری برای مناسبات ایران و روسیه خواهد داشت که البته برای بورژوازی کمپرادور (به انضمام اپوزیسیون بورژوا کمپرادور خائن و مزدور) و دستگاه بهیمی دین اسلام در ایران و جمهوری اسلامی که حسن روحانی نماینده آنها می باشد چشم انداز شکوفائی را نوید می دهد. البته و صد البته نه برای مردم ایران و نه برای امنیت ملی ایران. خصوصاً در زمینه نظامی روسیه و در پی این کشور، چین همکاران نسبتاً مناسبی برای ایران بوده و هستند، هر چند که روسیه در مورد اس ۳۰۰ ها و طرح همکاری های هوا و فضائی نشان داد که غرب را به ایران جمهوری اسلامی ترجیح می دهد و امروز نیز که اس ۳۰۰ ها را می خواهد به ایران تحویل دهد، هدفش این است که به امریکا بگوید که نمی تواند روسیه را ندیده بگیرد و باید با روسیه گفت و گو کند و به توافق برسد. البته در زمینه پدافند هوائی ایران به اس ۴۰۰ نیز نیازمند است تا از دفاع نسبی برخوردار شود و این سلاح را روس ها حتی به چین تحت شرایط خاصی فروخته اند، قطعات یدکی و...تحت کنترل روس ها باقی خواهد ماند. در نتیجه ایرانی که بخواهد در محاصره روسیه شرکت کند، دست کم از اس ۴۰۰ و شاید حتی برای ادامه حیات اس ۳۰۰

در پدافند موشکی ایران محروم خواهد ماند. مضافاً بر این که معامله با غرب هیچ گاه به نفع ملت ایران نبوده و تنها موجب شکوفائی خوک های کثیف یعنی بورژوازی کمپرادور شده به انضمام گسترش سنت های بدوی که به سنت های بیابانگردان تازی در هزاران سال پیش تعلق داشته مانند حج عمره به پاس تمام جنایاتی که تازیان در ایران مرتکب شدند. تعداد زائران احتمالاً از ۸۰۰۰۰۰ نفر به ۸۰۰۰۰۰۰ خواهد رسید.